



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۳۰

جليل غنی هروی

## پاکستان دروازه بان صلح افغانستان!

با جدی شدن فعالیت های آوردن صلح و ثبات در افغانستان، پاکستان بار دیگر همان نقشی را روی دست گرفته است که در سالهای پایانی حکومت داکتر نجیب و آوردن صلح و ختم جنگ در افغانستان بازی کرده بود یعنی نمایندگی از افغانستان در صحنه بین المللی و مالک الرقاب حکومت افغانستان. با این تفاوت که در آن زمان از گروه معروف به جهادی ها به نام مردم افغانستان اظهار نمایندگی می کرد و حالا از جناح های مخالف حکومت افغانستان عمدتاً طالبان و شبکه حقانی اظهار نمایندگی میکند. چون پاکستان ادعا دارد که بیشترین صدمه را از دوام جنگ و بی ثباتی در افغانستان دیده است خود را مستحق مشروع درین تلاش ها به جای حکومت افغانستان می شمارد. این ادعا از حلقوم گلبدین حکمتیار نیز بر آمده است و بر آن تاکید دارد که توهینی است به صد ها هزار شهید قوای امنیتی و مردم بی گناه افغانستان که از چهل سال به اینطرف خون میدهند و کشور هم ویران شده است. آقای حکمتیار خودش سهم عمده ای در ویرانی و تخریب کابل در پهلوی گروه های دیگر داشته است. طالبان از همان نخست اعلام داشتند که با حکومت افغانستان مذاکره نمی کنند و آنرا دست نشاندۀ قدرت های خارجی میدانند و متحدین افغانستان در راس ایالات متحده را متقاعد ساختند که با آنها روی صلح افغانستان مذاکره نماید. همه میدانند که تشکل طالبان در دوران حکمرانی حکومت تنظیمی در افغانستان بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ توسط پاکستان صورت گرفت و حکومتی را که طالبان بعد از سقوط حکومت تنظیمی به نام امارت اسلامی افغانستان تشکیل دادند هم پاکستان و اتحادیه امارات عربی و عربستان سعودی سه کشوری بودند که آن حکومت را به رسمیت شناختند و دیگر هیچ کشور دیگر در جهان این حکومت را به رسمیت نه شناخت. پاکستان ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی را متقاعد ساخت که بدون شراکت و موافقه پاکستان نه صلح در افغانستان خواهد آمد و نه ثبات و جامعه جهانی هم درین محسمه و تهلکه در گیر خواهد ماند و راهی جز شنیدن به خواسته های پاکستان و حفظ منافع این کشور در افغانستان، ندارد. پاکستان مدعی است که به فرهنگ و سیاست و بافت اجتماعی افغانستان نسبت به هر کشور دیگر بیشتر آشناست و این کشور با بیست سال حضور بیش از پنج میلیون مهاجر افغان در پاکستان که هنوز هم در حدود دو میلیون دیگر در آن کشور بسر می برند، و با داشتن علایق سرحدی، قومی و نژادی با تعداد زیادی از افغانها، می تواند نقش مؤثری در آوردن صلح و متقاعد ساختن افغانها به چنان صلحی داشته باشد.

از زمانی که زلمی خلیل زاد به حیث پیش برنده عملیه صلح افغانستان از طرف ایالات متحده تعیین گردید، تا کنون علاوه از اینکه سه دور مذاکره با طالبان و هم حامیان آنها، پاکستان، اتحادیه امارات عربی و عربستان سعودی و اخیراً با قطر انجام شده، آقای خلیل زاد سفر های هم به پاکستان و قطر و عربستان سعودی روسیه و اخیراً به هند داشته است. هند از روند صلحی که خلیل زاد پیش گرفته نا خشنودی نشان داد و بعد از آن بود که وی به هند نیز سفر کرد و موقتاً هند بعد از آن نرمتر گردید.

هم زمان با سفر های خلیل زاد، محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان نیز به افغانستان، بیجینگ، روسیه، عربستان سعودی، تهران، قطر و امارات متحد عربی سفر های داشته است.

داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان همواره شعار داده است که در صلح افغانستان اجماع ملی و منطقی لازم است و سعی دارد چنین اجماعی را به دست آورد. ولی در عمل می بینیم که حکومت افغانستان نه در به دست آوردن اجماع ملی موفقیت داشته و نه در اجماع منطقی. در بخش ملی رئیس جمهور افغانستان برای مذاکره با طالبان هیاتی از ارگ نشینان را از حلقه خاص اطرافیان، به استثنای دو نفر بیرون از حلقه حکومت، تعیین نمود در حالی که طالبان همیشه گفته اند که با هیات حکومت مذاکره نخواهند ولی با جناح های مطرح افغان در نهایت امر گفت و گو خواهند. حکومت بدون مشوره با جناح ها و جریان های سیاسی مطرح در افغانستان اعضای این هیات را اعلام نمود که با اعتراض سخت رهبران سیاسی و جامعه مدنی مواجه شد و هیچ

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

یک از این جریان ها آنرا تأیید نکردند. بعد برای خاموش ساختن آنها تشکیل جدیدی به نام شورای مشورتی مذاکرات صلح اعلام داشت که آن هم بدون تا تماس با اشخاص و گروه های که درین شوری گنجانیده، اسمای آنها را اعلام داشت که آن هم با اعتراض سر سخنانه این گروه ها و اشخاص مواجه شد. وقتی حکومت نتوانست توافق نمایندگان مردم افغانستان را بدست آورد، بگذریم از اینکه این گروه ها از مردم نمایندگی میکنند یا نه چون به حیث جناح ها و جریان های سیاسی مطرح هستند، چگونه می تواند اجماع منطقی را درین چنین امر بزرگ و حیاتی برای تمام منطقه حاصل کند. حکومت وحدت ملی افغانستان که حتی تشکیل آن بعد از انتخابات جنجال بر انگیز سال ۲۰۱۵ مورد سوال است و نتوانست اعتماد مردم را بدست آورد، فاصله بین حکومت و مردم با تک روی ها، اختلافات در رهبری حکومت، مناقشات و جنجالها در تقسیمات قدرت بین دو جناح شامل حکومت وحدت ملی، دامن زدن به تعصبات گوناگون که بار ها تذکر داده شده و نا هنجاری در تقسیمات پروژه های انکشافی، فساد اداری، ناکامی در تأمین امنیت و انواع نا بسامانی های دیگر در دور سازی مردم از حکومت نقش تعیین کننده داشته است.

متحدین افغانستان در راس ایالات متحده آمریکا هم دیدند که هم جوانان شان را بر ای آوردن صلح و ثبات قربانی میکنند و هم میلیارد ها دالر پول مالیه دهندگان را مصرف نمودند و نه تنها پیشرفتی حاصل نشده بلکه روز تا روز جناح های مخالف قوی تر گردیده و مناطق بیشتری را در افغانستان تصرف کرده اند و حال تقریباً در مناصف این کشور نفوذ و با تسلط دارند، از اعتماد شان به این حکومت کاسته اند. در چنین شرایطی باور کشور های منطقه و همسایگان به این حکومت نیز صدمه دیده است و گذشته از آن تعدادی از گروه های که در دهه های اخیر تبارز کرده اند وابستگی های به کشور های همسایه و یا ماورای آن دارند که این موضوع نیز مزید بر علت گردیده و پیچیدگی های بیشتر را بر اوضاع سیاسی و دور نمای صلح در افغانستان افزوده است. افغانستان از تقریباً چهل سال به اینطرف صحنه رقابت کشور های همسایه و حتی بسیار دور تر از همجوار ها قرار داشته است و هر یک از این کشور ها منافعی بعضاً مشروع و اکثراً غیر مشروع را در افغانستان جست و جو میکنند. این عوامل در پهلوی عواملی دیگری که از رقابت های منطقی قدرت های بزرگ منشأ می گیرد، باعث آن می گردد که حکومت افغانستان نتواند به حیث قوه بی طرف و غیر وابسته اعتماد همسایگان دور و نزدیک را برای بدست آوردن یک اجماع منطقی حاصل کند. در چنین شرایطی است که پاکستان با درک عمیق اوضاع و کشاندن افغانستان به این مرحله، با ارتباطات عمیق سیاسی که با جهان دارد و توانسته در بیست سال اخیر به حیث قدرت ذروی با نفوذ منطقی تبارز کند، قدم پیش می گذارد و برای تعمیم هدف نهائی تطبیق پالیسی عمق ستراتژیک، مرحله به مرحله نزدیک می شود. وزیر خارجه این کشور مثل زلمی خلیل زاد به کشور های منطقه و قدرت های دور و نزدیک سفر می کند و آنها را به خواسته های پاکستان جهت حصول توافق منطقه به راه حلی که خودش نقشه آنرا ترسیم نموده، نزدیک می سازد. به گونه مثال: وزارت خارجه چین گفته است که دیپلماتان ارشد چینی و پاکستانی در مورد "تغییرات جدید" در افغانستان بحث کرده اند.

اعلامیه مختصر وزارت خارجه چین حاکی است که وانگ یی، وزیر خارجه آن کشور و شاه محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان پیرامون تغییرات در افغانستان به "توافقات گسترده" رسیده اند. اما هیچ گونه توضیحی در مورد این تغییرات جدید: داده نشده که نشان می دهد باز هم این پاکستانو سایر کشور ها هستند که تغییرات را در افغانستان می آورند نه حکومت و یا مردم افغانستان همچنان قوماندان ماموریت حمایت قاطع در افغانستان روز (۲۷ دسمبر) با قمر جاوید باجوه لوی درستیز اردوی پاکستان در شهر راولپندی دیدار و گفتگو کرده است.

اردوی پاکستان در اعلامیه نگاشته است که لوی درستیز این کشور در دیدارش با جنرال میلر تاکید کرده است که اسلام آباد آماده است تا افغانستان را برای راه یابی تامین صلح در این کشور همکاری کند. و در روسیه: وزرای خارجه پاکستان و روسیه گفته اند که اسلام آباد و مسکو برای تامین صلح در افغانستان منافع مشترک دارند. شاه محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان، در دیداری که به روز چهارشنبه با سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه داشت، نظریات و حضور مسکو را در مذاکرات صلح افغانستان، ضروری خواند.

پاکستان در هر مجمع عمومی بین المللی و در هر صحبت همواره ادعا دارد که این کشور بیشترین صدمه را از جنگ افغانستان دیده است. پاکستان در تبلیغات و دروغ پراگنی و اشاعه اطلاعات نا درست ید طولانی دارد و توانسته با لابی های که در پارلمانهای کشور های متحد خود و خارج از آن، و هم در مجامع عمومی و بین المللی دارد، جهان را به این نتیجه برساند که بدون نقش کلیدی پاکستان صلحی در افغانستان نخواهد آمد. درین میان، این حکومت افغانستان نیست که اجماع منطقی را برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان بدست می آورد بلکه پاکستان است که اجماع منطقی را برای برآورده ساختن اهداف و منافع خود در افغانستان حاصل می کند و آنچه درین میان غایب است و از رسانه ها و زبان دیگران، چه آقای خلیل زاد است و چه جنرال میلر،

از موقف و نظریات کشور های دخیل در قضیه افغانستان، و آنانی که در غیاب افغانستان با کشور های مختلف و گروه های مخالف گفت و گو میکنند، اطلاع حاصل می کند.

قرار است دور چهارم گفت و گو های خلیل زاد با طالبان و عربستان سعودی و اتحادیه امارات عربی تا چند روز دیگر در شهرجده دایر شود. با وصف تماس تلفونی داکتر اشرف غنی با شاه عربستان سعودی و آوازه های برای گفت و گوی طالبان با هیات افغانستان، روز یکشنبه ۳۰ دسمبر طالبان گفت و گو و دیدن با هیات افغانستان را رد نموده و گفته اند که به دوام مذاکرات ابو ظبی، که دو هفته قبل صورت گرفته بود، مذاکره خواهند و با هیات افغانستان گفت و گوئی نخواهند داشت. گر چه کابل قرار است باز همان هیاتی را که به ابو ظبی فرستاده بود و بدون ملاقات با طالبان برگشت، به جده نیز بفرستد.

اگر طالبان باز هم با وصف میانجیگری امریکا و عربستان به ملاقات و گفت و گو با هیات افغانستان حاضر نشوند، تحقیر دیگری به حکومت تلقی خواهد شد ولی درین میان نه تنها حکومت افغانستان ملامت است که چرا در چنین شرایطی با فرستادن این هیات باز هم موقف خود را به حیث نماینده مردم افغانستان که از هجده سال است به اینطرف طالب از آنها قربانی میگرد، نازل ساخته و جواب این قربانی های مردم را نمی دهد، بلکه ایالات متحده نیز ملامت است که با وصف شراکت ستراتیژیک و توافقنامه امنیتی که حمایت مردم افغانستان را تضمین میکند، حاضر است با طالبان بدون حضور حکومت افغانستان در این گفت و گو ها سهم بگیرد. تا زمانی که دولت افغانستان تغییری در سیاست خود وارد نکند و از یک موقف بالاتری بر خوردار نگردد، چه در میدان نبرد و چه در صحنه سیاسی، باز هم به حیث ناظر اوضاع از دور و خارج از کارزار سیاسی باقی خواهد ماند نه تصمیم گیرنده و جانب اصلی جنگ. بلکه دیگران چه هماسیگان و چه به اصطلاح متحدین، که پشت پا به تعهدات شان می زنند، مطابق به منافع خود نه منافع علیای افغانستان سرنوشت این کشور ویران و مردم آنرا بدون حضور و خواست افغانستان رقم خواهند زد.

پایان